

می شود، ولو به وصیت عمل نشود. اما اگر کسی وصیت را شنیده باشد، ولی وصیت را تغییر بدهد بر او گناهی آگاهانه و خطرناک است.

نقش گوش در نظام تربیتی اسلام

در نظام تربیتی در اسلام می گویند تاثیر گوش بیشتر از چشم است. یعنی اول باید گوش به کار بیاید بعد چشم. در آیات و روایات اول سمع آمده بعد بصر. اگر اول گوش به کار بیفتد بعد چشم، چشم ها خوب می بیند. اما اگر اول چشم ها را به کار ببندیم معلوم نیست خوب ببیند.

طاغوتی ها اول چشم را خیره میکنند. تربیت احسن برای کسی است که خوب گوش می دهد. دجال آخر الزمان هم اول چشم ها را خیره میکند، بعد صدایش به گوش می آید. سامری هم اول گوساله طلائی را برای بنی اسرائیل آورد، چشم ها که خیره شدند، بعد صدایش در آمد. در اینجا می فرماید: ما سَمِعَهُ.. نمیگوید وصیت را ندید. سَمَعَ یک خصوصیت خوبی که دارد این است که اگر سواد هم نداشته باشی، می توانی بفهمی. اگر نتوانی قرآن بخوانی، می توانی پیام و آیاتش را بشنوی.

کسانی که دارند کار تربیتی می کنند، در نظام تربیتی باید موعظه بیشتر دیده شود. اگر به قرآن نگاهی ببینیم، می بینیم که هر جا که سخن از دعوت به توحید و انذار است با کلمه «قل» شروع می شود و این یک سبک تربیتی در قرآن است. در تربیت اسلامی شنیدن بر دیدن تقدم دارد، لذا معلمی که بتواند خوب گوش ها را تیز کند، موفق تر است تا آن معلمی که چشم ها را مشغول کند، چون چشم ها در عالم ماده می تواند جذب مادی ببیند.

هنگام وصیت کردن باید کسی به عنوان شاهد حضور داشته باشد. کلمه «باید» از باب ارشاد و مستحبی است.

۴- وصیت کنندگان به پاداش می رسند. اگر کسی وصیت آنان را تغییر دهد، گناهش به گردن تغییر دهنده است.
۵- ایمان به آنکه ما در محضر خدا هستیم، بهترین عامل تقوا و دوری از تغییر و تبدیل وصیت مردم است. اگر انسان باور کند خدا اعمالش را می بیند دیگر تغییری در وصیت انجام نمی دهد.

پیام آیه ۱۸۲:

اگر شما خوف آن را داشتید که وصیت کننده وصیت انحرافی نوشته است، می توانید وصیت را اصلاح کنید. یک جا استثناء دارد. اگر وصیت طاغوتی بود، غیر حق بود، می توانید وصیت را عمل نکنید. هیچ گناهی بر تغییر دهنده نیست. مبنای کلام خدا و رسول خداست.

۱- اصل مهم را باید رعایت کرد. احترام به وصیت مهم است، ولی جلوگیری از فتنه و اصلاح امور مسلمین مهم تر است. هر وصیتی قابل احترام نیست.

۲- تغییرات وصیت باید بر اساس فتنه زدایی و اصلاح باشد. سفارشات باید به حق باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم



خلاصه مطالب ارائه شده در جلسه تفسیر قرآن مجید

۱۳۹۳/۱۰/۱۳

۱۳۹۳/۱۰/۲۷

توسط حجت الاسلام مهدوی

تفسیر آیات ۱۸۰، ۱۸۱ و ۱۸۲ سوره مبارکه بقره:

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (۱۸۰)
فَمَنْ بَدَلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَيْمًا عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۱۸۱) فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جُنْفًا أَوْ
إِثْمًا فَاصْلَحْ بَيْنَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۸۲)

بر شما نوشته شده، هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر چیز خوبی از خود بجای گذارده، وصیت برای پدر و مادر و نزدیکان بطور شایسته کند، این حقی است بر پرهیزکاران. (۱۸۰) پس کسی که آنرا بعد از شنیدن تغییر دهد تنها گناه آن بر کسانی است که آن وصیت را تغییر می دهند خداوند شنوا و دانا است. (۱۸۱) کسی که از انحراف وصیت کننده (و تمایل یک جانبه او به بعضی ورثه) یا از گناه او به اینکه وصیت به کار خلاfi کند) بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد گناهی بر او نیست (و مشمول قانون تبدیل وصیت نمی باشد) خداوند آمرزنده و مهربان است. (۱۸۲)

شمای کلی آیات:

آیات مربوط به یک امر دینی است. اگر بخواهیم در شمای کلی در نظر بگیریم یکی از اعمالی که برای انسان باورمندی که اهل محاسبه نفس است در ابتدا مستحب و تحقق به آن واجب است، عمل وصیت می باشد. مثل سلام گفتن که مستحب است T ولی جواب آن واجب. اما همین عمل مستحب مورد توجه خداوند است.

آیه ۱۸۰ سوره بقره اشاره به همین معنا دارد. «كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» از این جهت می گوئیم مستحب است که می گوید «حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» نه علی المومنین. لذا وصیت نوشتن به تنهایی یک امر مستحب اکید است. در روایتی از پیامبر اکرم داریم که می فرماید: «اگر کسی وصیتی بنویسد و از دنیا برود، شهید از دنیا رفته است»

وصیت انواعی دارد:

۱- وصیت واجب: در رابطه با احقاق دین، حق الله، حق الناس. اگر کسی حق الناسی به گردن دارد واجب است وصیت بنویسد و بگوید که دینی به گردن دارد.

۲- وصیت مستحب: وصیتی برای امور خیریه. مثلا کسی بگوید یک سوم اموالم را در امور خیریه صرف کنید.

۳- وصیت مباح: مثلاً کسی به فرزند خود وصیت کند که بعد از مرگش فرزند شغل پدر را پیگیری کند.

۴- وصیت مکروه: به طور مثال شخصی وصیت کند که برایش مقبره بسازند.

۵- وصیت حرام: وصیتی که در آن شخصی بگوید یک سوم اموال را در کار شرع، کاری که باعث ترویج فساد بشود خرج کنید.

خداوند می فرماید: کسی که اهل تقواست باید اهل وصیت هم باشد. کسی که خریدار خداست اهل وصیت کردن است. بسیاری از مومنین اهل تقوا هستند ولی به این عمل مستحبی توجه نمی کنند.

پیامبر اکرم می فرمایند: «وصیت عمل مستحب دقیقی است که اگر دقت نشود چه بسا عامل فتنه می شود». در روایت دیگری می فرمایند: «کسی هفتاد سال عبادت می کند با یک وصیت غلط به دوزخ می رود».

وصیت می تواند در رابطه با مسائل مالی باشد. انسان می تواند برای یک سوم مالش تصمیم بگیرد، بقیه سهم الارث را باید رعایت کند. شخصی وصیت کرده بود تمام اموالش را به فقرا ببخشند، پیامبر بعد از دفن آن مرد متوجه شد که برای یتیمان آن شخص چیزی نمانده، فرمود: اگر میدانستم چنین وصیتی کرده حاضر نمی شدم او را در قبرستان مسلمین دفن کنم.

در این آیات بحث ولایت موج می زند. آیه ۱۸۱ می فرماید اگر اهل تقوایی وصیتی کرد و کسی که شاهد آن وصیت بود، بعد از آگاهی از وصیت آن را تبدیل کند «فَمَنْ يَدُلُّهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُدْلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» گناه بزرگی برای تبدیل کننده است. تبدیل چه به صورت نسبی چه به صورت محض.

در آیه ۱۸۱ کلمه ای به نام «اثم» میبینیم. «اثم» به معنای گناه است. گناه در آیات و روایات به الفاظ مختلفی به کار برده می شود. یکبار می گویند گناه به معنای «ذنب» است. یک بار گناه را به «معصیه» می شناسیم. یک بار گناه را به لغت «خطیئه» می شناسیم. کلمه گناه در قرآن یک بار به لفظ «سیئه» به کار گرفته می شود. یک جا هم با لفظ «اثم» به کار می برد. همه این ها گناهند. اما هر کدام ضریبی دارد. باتوجه به واژه شناسی که اتفاق می افتد «ذنب» از ماده «ذَنَبَ» به معنای چیزی دنباله دار است. گاهی گناه را با کلمه ذنب معنی می کنند تا حکایت از این کنند که برخی از گناهان عواقب دارند. مثلاً شرابی که می خوریم در نسل و نطفه ما تاثیر می گذارد. آنجا که می خواهد بگوید این گناه شما آثار بعدی دارد از ذنب استفاده می کند. یک جا که می خواهد بگوید این عمل در مقابل «حسنه» قرار دارد کلمه «سیئه» را به کار می برد. در این آیه خداوند «اثم» را به کار برده است. اثم از نظر لغوی به معنای کندی و تأخر است. یعنی این کار موجب کندی و تأخر در تحصیل ثواب می شود. بعضی گناهان موجب می شود که روال ما در جذب ثواب و آثار او کند شود. سرعتی برای درک رحمت الهی نداشته باشیم.

کسی که وصیت اهل ایمانی را تغییر دهد درک معنای حقیقی و تحصیل ثواب برای او کند می شود. مهم ترین وصایا در عالم کدام وصیت است؟ تنها کسی که در این عالم هستی خالصانه توصیه به حق می کند رسول الله

است. وصیتی کرد که تبدیل شد و نظام بشریت را دچار اثم کرد. وقتی وصیت رسول خدا را گوش ندادند، آثار کندی دریافت رحمت الهی در طول تاریخ شدت گرفت.

در آیه قبل می فرماید وصیت برای اهل تقواست. اولین متقی حضرت علی (علیه السلام) می باشد. اولین وصیتی که تبدیل شد یک امت مبتلا به اثم شدند و آن وصیت ولایت بود. اگر آن زمان به وصیت پیامبر در باب ولایت گوش داده می شد، الان ما از تفسیر قرآن فقط به تفسیر ظاهری دسترسی نداشتیم. برای فهمیدن تفسیر باطنی قرآن روال کند شد. تا زمانی که ولی مان حضرت قائم (عج) ظهور نکند، برای درک کمالات کند پیش میرویم.

اگر مسلمانان به وصیت احترام می گذاشتند و وصیت پیامبر را تغییر نمی دادند اثم و گناه روی نمی داد. پیام فقهی همین است که نباید وصیت را تغییر داد. ولی پیام باطنی این است که اگر به وصیت اهل تقوایی عمل نشود باعث کندی در رسیدن خیر می شود. هرچه وصیت به حق تر و خیرتر باشد و تغییر شود به همان میزان اثم بیشتر می شود.

در تفسیر تسنیم آقای جوادی آملی و مجمع البیان این تعاریف آورده شده. در آیه ۱۸۲ آمده است «فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَصَلِّحْ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». اگر انسانی وصیت کرد و در وصیتش راه به انحراف برد، کلمه «جَنَفًا» را به کار می برد. «جَنَفَ» به معنای انحراف از صراط مستقیم و تمایل به گمراهی است. مثلاً طوری وصیت کرده که میل به گمراهی در آن وجود دارد. «خوف» حالت نفسانی ایست که انسان با دیدن علائمی منتظر پیشامد بدی است. در این صورت خداوند می فرماید اگر کسی وحشتی دارد که اگر این وصیت را عمل کند، انحراف پیش می آید، عمل به آن وصیت گناه دیگری است. اگر به آن وصیت عمل نکردید یا اصلاحی در آن به وجود آوردید بر شما گناه نیست. پیامبر وصیتی کرد برای ولایت علی (علیه السلام). وصیت دیگری هم بود برای جلوگیری از ولایت علی (علیه السلام). آیا هر وصیتی محترم است؟ خیر! اگر در وصیتی انحراف باشد، خصوصاً انحراف ولایی، عمل کردن به آن اشکال دارد. اگر به وصیتی مثل وصیت عمر گوش ندهی مبتلا به اثم نمی شوی.

پیام های آیات ۱۸۰ و ۱۸۱:

۱- تغییر وصیت از سوی دیگران حرام است.

۲- حق مالکیت بعد از مرگ نیز محترم است و کسی حق تغییر وصیت را ندارد. البته تا وقتی که تناقضی با سهم الارث نداشته باشد.

۳- گناه آگاهانه و مغرضانه خطرناک تر است. شخصی وصیت کرد که اموالش را به صد فقیر بدهند، کسی که از وصیت آگاهی نداشت تمام اموال را در کار خیر دیگری صرف کرد، چون خبر ندارد، گناه محسوب نمی شود. در روز قیامت این کار خیر که جای دیگر انجام شده است، اما برای شخص وصیت کننده ثواب سیر کردن صد فقیر نوشته